

هیچ چیز دمکراتیکتر و مردمی تر از منطق نیست؛ ملاحظه هیچ کس را نمی کند و ریز و درشت را درون یک کیسه می ریزد.

www.mandegardaily.com

سال هشتم شماره ۱۹۴۹ دوشنبه ۴ دلو/ بهمن ۱۳۹۵ ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۳۸ ۲۳ جنوری ۲۰۱۷



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515

عزیزی بانک
Azizi Bank

د شهید مسعود بنسپ پیغام

پروردگار نه ورته مغفرت غوښتونکي یو.

احمد ولی مسعود

د شهید مسعود بنسپ عمومی رئیس



د شهید مسعود بنسپ د افغانستان ملی او اسلامی محاذ مشر پیر سید احمد گیلانی د مړینې په مناسبت پیغام: د شهید مسعود بنسپ په استازیتوب د اسلامی محاذ جهادی رهبر، ملی او سیاسی شخصیت ښاغلی پیر سید احمد گیلانی مړینه د هغوی کورنی ښاغلی حامد گیلانی، ښاغلی محمد گیلانی، ملگری، دوستان او پیروان او د افغانستان ټول ملت ته تسلیت وایو. پیر سید احمد گیلانی یو روحانی کورنی ته اړوند، خیرخواه او معتدل شخصیت وو چی د کمونیزم په مقابل کی یی خورا حساسیت درلود. تل یی هڅه کوله چی د مملکت په قضاواوو کی مثبت او پر له غرض رول ولری. ښاغلی گیلانی یو آرام، وچتی حوصلی خاوند او میلمه پالی شخصیت وو، د هغه مرحوم پر روح درود وایو او د



امریکا و ایتلاف منطقه‌یی مبارزه با تروریسم در افغانستان

صفحه ۲

میثاق شهروندی، پیمان خدمت به مردم است

د سرنوشت قریه شان دخیل شوند و با این ترتیب روند انکشاف و رشد اقتصادی - اجتماعی را در روستاهای خویش تسریع نمایند.

تجربه یی که در برنامه همبستگی ملی حاصل شد، این اطمینان را به وجود آورد که مردم کشور ما میتوانند در یک سیستم و میکانیسم منسجم، باتلاش وسیعی خستگی نا پذیر، دست به دست هم داده و بیشتر از پیش، کشور خود را آباد نمایند. روی همین اصل، اکنون که برنامه همبستگی ملی پایان گرفته است، جای آن هرگز خالی نخواهد ماند. زیرا اکنون برنامه ملی میثاق شهروندی صفحه دیگری از کارو پیکار سازنده برای رشد، انکشاف و اعتلای کشور میباشد. برنامه ملی میثاق شهروندی منجبت یک تعهد مستحکم، آرمان بزرگست برای خدمت به مردم. در این برنامه، شهروندان روستایی و شهری کشور، به شکل متوازن از مزایای انکشاف و اقتضات زنده گی امروزی مستفید خواهند شد. با برنامه ملی میثاق شهروندی، همه مردم ما دست به دست هم داده و در کنار دولت شان، یک حرکت مترقی و ارزشمند انکشافی، اقتصادی و اجتماعی را در عمل تطبیق خواهند کرد. چیزیکه در برنامه ملی میثاق شهروندی از همه مهمتر و برجسته تر است، همانا تعهدی است که مردم با دولت و دولت با مردم دارد. این تعهد یک هدف مقدس و درخشان دارد که عبارت از خدمت واقعی برای مردم افغانستان است. به همین لحاظ، برنامه ملی میثاق شهروندی تنها به روستاها متعلق نبوده بلکه با وسعت بیشتر، شهرها و روستاهای سراسر کشور را شامل خواهد شد.

در این برنامه کوشش خواهد شد تا علاوه بر تطبیق هزاران پروژه بنیادی و بزرگ عام المنفعه در شهرها و روستا های کشور، به بهبود وضعیت مدنی مردمان کشور نیز توجه جدی صورت گیرد و همچنان برای کاهش سطح فقر و بیکاری نیز در سراسر کشور، تلاش لازم به عمل آید. با برنامه ملی میثاق

شهروندی، نقش و سهم عملی مردم در امر پیشرفت و انکشاف کشور، بیشتر از پیش برجسته خواهد شد زیرا، این مردم است که در چوکات کلستر های (روستایی و شهری) اولویت های شانرا تعیین میکنند، در تصمیم گیری ها با صلاحیت و قاطعیت دخیل میشوند و کلاً پروژه های مورد نیاز قریه و شهر شان را خود در عمل پیاده میکنند.



کشور افغانستان، اکنون بیشتر از هر زمان دیگر به آبادانی و انکشاف نیاز دارد. ویرانی های جنگ چندین ساله، خشکسالی ها و آفات طبیعی که در پهلوی بسا مسایل دیگر دامنگیر مردم ما بوده است، به نحوی از انحا، زیر بنا های اقتصادی و عمرانی ما را یا نابود کرده و یا هم به ورطه نابودی کشانیده است. از همین رو، عده زیادی از جوانان ما بخاطر بیکاری و اوضاع نا بسامان اقتصادی و اجتماعی شان، مجبور به ترک وطن شده و در کشورهای دیگر دنیا، آواره و بی سرنوشت شده اند. برای بیرون رفتن از این فاجعه بزرگ بشری، نیاز به یک حرکت شجاعانه و سازنده است تا بتواند ویرانی هارا دوباره عمار نماید، فقر و بیکاری را کاهش داده و برای زنده گی مرفه مردم، زمینه های اساسی را جستجو کند. دولت جمهوری اسلامی افغانستان بخاطر رسیدن به این هدف، اینک برنامه ملی میثاق شهروندی را اعلام نموده است تا با تطبیق آن، تغییر چشمگیری را در زنده گی مردمان شهرها و روستا های ما به بار آید. برنامه ملی میثاق شهروندی یک خیزش ملی برای انکشاف و تعالی اقتصادی و اجتماعی افغانستان است که بخاطر خدمت بیشتر به مردم سراسر افغانستان، روی دست گرفته شده است. باید یادآور شد که دولت، قبل بر این نیز در سال (۲۰۰۳) برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات را اعلام کرده بود تا با یک مقیاس وسیع، موجبات رشد و انکشاف را در قریه ها و قصبات (۳۴) ولایت افغانستان مهیا ساخته و به اینگونه رفاه و آسایش را برای مردم روستایی کشور به ارمغان آورد. برنامه مذکور که طی بیشتر از یک دهه، با سهم و عمل مستقیم مردم روستاها تطبیق گردید، هزاران پروژه عام المنفعه عمرانی، اقتصادی و اجتماعی را در خدمت مردم قرار داد که در نتیجه آن، تغییر بزرگی در زنده گی مردم قریه های کشور، رونما گردید. مردم با تطبیق برنامه همبستگی ملی، به زنده گی در قریه های خویش میدوار شدند و تعداد زیادی از مهاجرینی که بنا بر بیکاری و وضع ناگوار امنیتی، کشور را ترک گفته بودند، دوباره به وطن برگشتند.

گذشته از آن، شوراهای انکشافی قریه که یکی از بزرگترین دستاوردهای بشری برنامه همبستگی ملی در افغانستان بود، برای اولین بار، حکومت داری محلی را در یک سطح وسیع توسط مردم، تمثیل کرد. مردم روستا های کشور (باترکیب زن و مرد) توانستند در شوراهای انکشافی شان، حضور خود را احساس کنند، به اراده خود انتخاب کنند، منجبت انسان های مستقل و تصمیم گیرنده،



ترامپ با افغانستان چه خواهد کرد؟



جنگ یک‌ونیم دهه‌ی افغانستان، در دوره‌ی ترامپ به کجا خواهد انجامید؟ آیا او موفق خواهد شد که خود را از این معضل، موفقانه بیرون بکشد؟

پاسخ به این سوال‌ها، به راهبرد و اقدام‌هایی منوط است که آقای ترامپ در روزهای آینده اتخاذ خواهد کرد. اگر او به صورت واقع‌بینانه بخواهد به جنگ افغانستان نقطه‌ی پایان بگذارد، به نظر می‌رسد که فرصت چنین اقدامی را به صورت بالقوه در اختیار دارد. مبارزه با تروریسم بدون شک تنها به افغانستان محدود نمی‌شود؛ ولی انکار نمی‌توان کرد که این کشور نقطه‌ی اساسی و کلیدی در این مبارزه می‌تواند باشد. به ویژه این‌که آقای ترامپ در زمان مبارزات انتخاباتی‌اش نسبت به سیاست‌های پاکستان موضع انتقادآمیز داشت.

آقای ترامپ اگر بتواند به مهار تروریسم در منطقه، در سرچشمه‌ها و منابع اصلی آن نایل شود، بدون شک موفقیت او در این مبارزه چشم‌گیر و شاید هم تعیین‌کننده باشد. ولی اگر همچنان این موضوع را چون دیگر زمامداران این کشور به فراموشی بسپارد و یا دچار مصلحت‌های سیاسی شود، به هیچ صورت نمی‌توان منتظر تغییر بنیادی و عمیق در جنگ افغانستان بود. فراموش نباید کرد که جنگ افغانستان همان‌گونه که برای مردم این کشور سرنوشت‌ساز است، به همان میزان می‌تواند برای امریکا نیز حایز اهمیت باشد. «امریکا با چه دستاوردی می‌خواهد افغانستان را ترک کند؟» این پرسشی است که تیم آقای ترامپ به عنوان کسانی که حالا سکان سیاست امریکا را در دست گرفته، باید به آن پاسخ دهند و مردم افغانستان بی‌صبرانه منتظرند که بدانند نگاه این تیم به مسایل منطقه و به‌ویژه افغانستان چیست.

وقتی سخنرانی‌اش در مراسم تحلیف پایان یافت، بسیاری‌ها آن را ادامه‌ی سخنرانی‌های دوران مبارزات انتخاباتی‌اش قلمداد کردند و گفتند که مخاطب او نه مردم جهان بود و نه کل مردم امریکا، بل او خواست که پیام اصلی خود را به طرفداران و هواداران زمان مبارزات انتخاباتی‌اش یک بار دیگر تجدید کند و آن این‌که امریکا را از چنگ سیاست‌ها و سیاست‌مداران مفلوک رهایی می‌بخشد. آقای ترامپ هرچند به صورت مستقیم و مشروح در زمان مبارزات انتخاباتی‌اش در مورد افغانستان حرفی نزنده است، ولی پس از آن به گونه‌ی موردی با مسایل منطقه و افغانستان تماس‌هایی داشته است. او در هنگام سخنرانی خود در مراسم تحلیف گفت که مبارزه‌ی جدی با تروریسم خواهد داشت و همین‌طور در صحبت ویدیویی‌ی که روز شنبه با سربازان امریکایی که در افغانستان مستقر هستند، مأموریت آن‌ها را عالی توصیف کرد. او گفت: «من از همه‌ی شما تشکر می‌کنم. شما مردم عالی هستید، هزار درصد با شما هستیم، شما بهترین کار را انجام می‌دهید، مبارزه را ادامه می‌دهید و ما پیروز خواهیم شد.»

اما این‌که آقای ترامپ با چه رویکردی تلاش خواهد کرد که در این جنگ پیروز شود، هنوز کاملاً مشخص نیست. دولت‌مردان کشور که با نگاهی خوش‌بینانه به مسایل می‌بینند، امیدوارند که آقای ترامپ با قاطعیتی که از خود تا به حال در سخنرانی‌هایش نشان داده، بتواند نقطه‌ی پایان به یکی از مهم‌ترین و خونین‌ترین معضلات منطقه‌ی بگذارد؛ معضلی که پای امریکا را به افغانستان و منطقه کشاند و تا با امروز خسارات زیادی را هم برای امریکا و هم برای مردم افغانستان در پی داشته است.

جهانیان با بیم و امید منتظر اقدام‌هایی‌اند که دونالد ترامپ رییس‌جمهوری تازه امریکا در زمان مبارزات انتخاباتی و پس از آن نوید انجام آن‌ها را داده است. هرچند هنوز جو ملتهب علیه او در جهان فروکش نکرده، ولی در عین‌زمان برخی‌ها با خوش‌بینی به آینده نگاه می‌کنند. گروه‌ها و سازمان‌هایی که علیه رییس‌جمهوری تازه امریکا در جهان دست به واکنش زده‌اند، عمدتاً نگران برخوردهای تندروانه و تعصب‌آمیز او علیه اقلیت‌های قومی و مذهبی‌اند. در همین حال، بخش وسیعی از مخالفان او را زنان تشکیل می‌دهند. آنان به این باوراند که او نگاه تبعیض‌آمیز و تحقیرکننده به زنان دارد.

ترامپ در حالی زمام قدرت در امریکا را به دست گرفت که جهان شاهد تنش‌ها و درگیری‌های منطقه‌ی و محلی فراوانی است که بخشی از آن‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم، محصول سیاست‌های امریکا توصیف می‌شود. ترامپ این بار سنگین مسوولیت‌ها را همراه با مشکلاتی که در جامعه امریکا وجود دارد، برای چهار سال آینده باید حمل کند و یا با آن‌ها به مبارزه بپردازد. او در سخنرانی مراسم تحلیف خود، آن‌گونه که انتظار برده می‌شد، حرف دندان‌گیر و قابل تأملی مطرح نکرد که بتوان در پرتو آن به درستی و روشنی، خط‌مشی اصلی او را درباره‌ی مسایل جهان و منطقه دریافت، ولی می‌توان از لابه‌لای برخی حرف‌ها و سخنانش، به نوع نگاه او در تعامل با جهان دست پیدا کرد.

آقای ترامپ آن‌گونه که برخی تحلیل‌گران مطرح می‌کنند، سیاست‌مداری دست راستی و ناسیونالیست است که بیشتر نگران امنیت و اقتصاد امریکا است تا برابری و دموکراسی. به همین دلیل،

سخن ماندگار ظلم ریاست جمهوری بر مردم

بحث آزادی زندانیان حزب اسلامی، به یک منبع درآمد برای بسیاری‌ها تبدیل شده و شماری از اعضای این حزب را ثروتمند می‌سازد. بعد از توافقی که میان ارگ و آقای حکمتیار صورت گرفت و در آن تصریح شد که باید زندانیان حزب اسلامی رها شوند، اکنون بازار این تجارت رونق گرفته و صدها طالب، قاچاق‌بر مواد مخدر و دیگر جنایت‌کاران زیر نام وابسته حزب اسلامی از زندان رها می‌شوند. تلویزیون یک، خبر و گزارشی در این باره نشر کرد. این گزارش نشان می‌دهد که ریاست‌جمهوری، با رهایی زندانیان طالب زیر نام حزب اسلامی موافق است. زیرا وقتی سخنان آقای خیلواک رییس کمیسیون نظارت بر پرونده‌های رهایی زندانیان حزب اسلامی را در نظر بگیریم، او اذعان داشته که در بسیاری از مناطق کشور نیروهای حزب اسلامی زیر نام «طالبان» مبارزه کرده و زندانی شده‌اند. همچنان نماینده آقای حکمتیار نیز گفته است که اعضای حزب اسلامی، زیر نام «طالب» جنگیده و زندانی شده‌اند. وقتی این گزاره را تحلیل کنیم، درمی‌یابیم که اصل قصه در خود ریاست‌جمهوری جریان دارد و طرفدارها و حیل‌های فراوانی در برابر شعور مردم افغانستان طراحی شده است. این سخنان می‌رسانند که حزب اسلامی زندانیان قابل توجهی در زندان‌های کشور ندارد و فقط تعداد اندکی از این حزب، زندانی است. اما این زندانیان طالبان‌اند که به نام حزب اسلامی رها می‌شوند. به نظر می‌رسد که بازی‌ی برای نجات طالبان به راه افتاده و بحث صلح با آقای حکمتیار، یک بهانه‌ی جدید برای پرورش طالبان به شمار می‌آید. مسلماً وقتی طالبان از زندان رها می‌شوند، جبهه آنان قوت می‌گیرد و این نیروها مصیبت‌های تازه‌ی را برای مردم افغانستان خلق می‌کنند.

واضح است که بحث توافق صلح با حکمتیار با وضعیتی که گفته شد، یک نوع خیمه‌شب‌بازی و سناریوی فوق‌العاده مضحک و دردآور است. حزب اسلامی تا کنون هیچ تعهدی را عملی نکرده است. آقای حکمتیار هنوز تشکیلات نظامی‌اش را ملغا و سلاح و مهماتش را تسلیم دولت نکرده است، اما شدیداً در پی گرفتن امتیازهای مالی و جانی بیشتر است. مهمان‌خانه‌های مجلل با امکانات نظامی - امنیتی که از سوی حکومت در اختیار اعضای این حزب قرار گرفته، این هراس را به میان آورده که این مراکز خطرات تازه‌ی را برای مردم افغانستان خلق کنند. از طرف دیگر، اگر بپذیریم که همه زندانیان طالبان، طالب نه بلکه عضو حزب اسلامی‌اند، باز هم اینان زندانیان سیاسی به شمار نمی‌روند. زندانی سیاسی به کسی گفته می‌شود که به خاطر مظاهره، شعار و فعالیت سیاسی نرم به زندان رفته باشد. آزاد کردن کسی که دست به سلاح می‌برد، آدم می‌کشد و انتحار و انفجار می‌کند و بر اساس اسناد محاکماتی و حقوقی محبوس می‌شود، با آزادسازی یک زندانی سیاسی کاملاً متفاوت است. کسی که قتل نفس کرده و آدم کشته و دست به ترور و انتحار و انفجار زده است، باید مجازات شود. حکومت هم حق ندارد خون آن شهیدانی را ببخشد که توسط این زندانیان ریخته شده است. همچنان رهایی این زندانیان، آن‌هم با سندسازی و جعل و تزویر، به اهداف خاصی صورت می‌گیرد که تبدیل کردن افغانستان به سرزمین دهشت و وحشت، یکی از آن‌هاست. با این حساب، دولت باید از این ظلمی که در حق مردم مرتکب می‌شود، دست بکشد و در پیشگاه تاریخ، خود را روسیاه نسازد. وقتی دولت، بی‌آن‌که هیچ قدم مثبتی از جانب حزب اسلامی برداشته شود، همه امکاناتش را به پای آقای حکمتیار می‌ریزد، یعنی مردم افغانستان جز قربانی شدن هیچ نقشی در این پروسه نیافته‌اند. اما خواست مردم از ارگ این است که به جای ظلم، عدالت را رعایت کند و به چشم مردم خاک و به تن‌شان خوار نزند.

امریکا و ایتلاف منطقه‌ی مبارزه با تروریسم در افغانستان

ابوبکر صدیق

مقامات دولت جدید امریکا از تشکیل یک ایتلاف ضد تروریسم در افغانستان حرف می‌زنند که سهم کشورهای منطقه و همسایه افغانستان در آن ملموس باشد.

برخی از مقامات امریکایی می‌گویند که امریکا برای سرکوب تروریسم در افغانستان باید روابط خود را با رهبران با اعتماد بلوچ، سندی و پشتون پاکستان مستحکم سازد و هم‌چنان، پای کشورهای چین، هند و آسیای میانه را برای سرکوبی تروریسم به این ایتلاف بکشد.

امریکا یکی از بازیگران اصلی جنگ افغانستان محسوب می‌شود و دونالد ترامپ در تازه‌ترین صحبت با نمایان این کشور در بگرام گفته است که شما وظیفه فراموش ناشدنی را انجام می‌دهید. آقای ترامپ تأکید کرده که نابودی گروه داعش در اولویت برنامه‌های آنان قرار دارد.

در همین حال، برخی از آگاهان باور دارند که تشکیل ایتلاف در اوضاع فعلی افغانستان ناممکن است، زیرا برخی از کشورهای منطقه از تروریسم حمایت می‌کنند.

آنان باور دارند که افغانستان در پرده ابهام در سیاست خارجی دولت جدید امریکا به رهبری دونالد ترامپ قرار دارد، برای رفع این ابهام و عملی شدن راهبرد جدید امریکا در قبال افغانستان به زمان بیشتر نیاز است.

دکتر جعفر مهدوی عضو مجلس نماینده‌گان در مصاحبه با روزنامه ماندگار می‌گوید: استراتژی جدیدی که امریکا به اساس آن می‌خواهد یک ایتلاف ضد تروریسم تشکیل دهد که سهم کشورهای منطقه و همسایه افغانستان در آن ملموس باشد، استراتژی تازه است و عملی شدن آن به زمان نیاز دارد.

آقای مهدوی تشکیل چنین اجماعی را در حال حاضر بعید دانسته می‌گوید: گروه‌های افراطی و تروریسم در حال حاضر به عنوان ابزار

دست قدرت‌های منطقه و جهان قرار دارند. این عضو کمیسیون بین‌المللی مجلس نماینده‌گان برنامه دونالد ترامپ که تازه وارد کاخ سپید شده را در امر دست یافتن به اجماع ضد تروریسم در افغانستان کار دشوار می‌داند، زیرا به باور او، کشورهای که از تروریسم استفاده ابزاری می‌کنند در مبارزه با این گروه‌ها صادق به نظر نمی‌رسند.

اما آقای مهدوی می‌گوید: ریشه گروه‌های تروریستی باید در مراکز اصلی شان خشکانیده شوند.

آقای مهدوی ابراز امیدواری می‌کند که تفاهم ترامپ با پوتین در منازعات سوریه و اوکراین روی اوضاع افغانستان تأثیرات مثبت گذارد.

او تصریح کرد که رهبران پنتاگون و شورای امنیت امریکا که توسط ترامپ انتخاب شده‌اند، برنامه آقای ترامپ را که نزدیکی با روسیه است با چالش روبرو خواهند کرد، زیرا بیشتر مردم این کشور روسیه را دشمن می‌پندارند.

به گفته او، افغانستان در حال حاضر دچار بحران سیاسی داخلی است و اگر ایتلافی جهت



مبارزه با تروریسم تشکیل شود یک ایتلاف شکننده خواهد بود.

آقای مهدوی بیان کرد که اگر یک اجماع نسبی برای تحت فشار قرار دادن کشورهای که از تروریسم به برای پیش برد اهداف و منافع شخص استفاده می‌کنند تشکیل شود عمل شایسته است؛ اما اهرم فشار بالای کشورهای حامی تروریسم را می‌توان از راه دیپلماتیک و تحریم‌های اقتصادی نیز وضع کرد که امریکا در حال حاضر این قدرت دارد.

به باور آقای مهدوی حمایت از گروه‌های تجزیه طلب و گروه‌هایی که به‌خاطر جدایی طلبی اعمال تروریستی را انجام می‌دهند نه تنها که باعث کاهش تنش‌ها در منطقه نمی‌شود بلکه این تنش را افزایش می‌دهد.

هم‌چنان، هارون میر آگاه مسایل روابط بین‌الملل نیز در مورد تشکیل اجماع به ضد تروریسم در افغانستان می‌گوید: تاهنوز پیش از وقت است تا در مورد راهبرد دولت جدید امریکا در مبارزه با پدیده تروریسم در افغانستان بحث صورت گیرد.

آقای میر افزود که تمهد امریکا برای افغانستان تا سال ۲۰۲۰ پا برجا است و مبارزه با تروریسم یکی از برنامه‌های بزرگ اداره جدید امریکا خواهد بود.

این آگاه مسایل بین‌المللی باور دارد که روابط امریکا با قدرت‌های منطقه و جهان از جمله چین، هند و روسیه تأثیر مثبت در قبال افغانستان خواهد داشت. نزدیکی روسیه با امریکا تأثیر مثبت در افغانستان دارد، در حالی که تنش‌ها به وجود آمده میان چین و امریکا تأثیرات منفی خود را در منطقه می‌گذارد.

آقای میر خاطر نشان کرد که هنوز افغانستان در پرده از ابهامات سیاست خارجی امریکا قرار دارد؛ اما باید منتظر بود که اداره ترامپ در مورد افغانستان چه استراتژی را روی دست خواهد گرفت.

آقای میر باور دارد که عنقریب یک هیئت از اداره امریکا به افغانستان سفر خواهد کرد و با نمایان امریکا در افغانستان ملاقات کند و راهبرد جدید این کشور را در مبارزه با تروریسم در میان خواهد گذاشت.

او در رابطه به سخنان یک سناتور امریکایی که گفته است، امریکا برای تحت فشار قرار دادن گروه‌های تروریستی باید روابط خود را با رهبران قابل اعتماد بلوچ، سندی و پشتون در پاکستان برقرار کند، گفت که این نظریات شخصی افراد است و بیان گر سیاست خارجی امریکا نمی‌باشد.

این در حالی است که یک سناتور جمهوری خواه امریکا گفته است که امریکا باید بداند که پاکستان دوست آن نیست و باید کمک‌های اقتصادی و نظامی خود را به این کشور متوقف بسازد، زیرا پاکستان از طالبان که دوستان و اتباع امریکایی را بقتل می‌رسانند، حمایت می‌کند.

به گفته سناتور رورا باکر، ایالات متحده باید مذاکرات را با رهبران با اعتبار بلوچ، سندی و پشتون در پاکستان آغاز نماید و کشورهای دیگر منطقه مانند، چین، هند و جمهوری‌های آسیای میانه را یکجا کرده و افراطگرایی را سرکوب نماید.

به گفته سناتور رورا باکر، یک افغانستان صلح آمیز و جز جامعه اقتصادی آسیا می‌تواند به حالت عادی برگردد و به آسایش و آرامی که به آن نیاز دارد و مستحق آن می‌باشد دست یابد.

دادستانی کل:

واردکنندگان داروی بی کیفیت مجازات خواهند شد

هارون مجیدی

شماری از شهروندان افغانستان از فروش داروهای بی کیفیت در کشور شکایت کرده و می‌گویند، با آن‌که داروها را به قیمت بسیار بلند خریداری می‌کنند، اما هیچ نوع اثر مثبت بر بهبود صحت‌شان ندارد.

در این حال، پزشکان به این باور اند که داروهای دارای کیفیت پایین سبب بروز بیماری‌های گوناگون شده و عوارض جانبی مصرف دارو را بیشتر می‌سازد.

احمد صمیم، یکی از شهروندان کابل می‌گوید، تجویز داروهای بی کیفیت، شهروندان را سرگردان ساخته و به همین دلیل افرادی که از وضعیت مالی بهتر برخوردار باشند، مجبور اند جهت تداوی به سایر کشورها سفر کنند.

شفیق، شهروند دیگر کابل نیز می‌گوید، بارها اتفاق افتاده که مقدار زیاد دارو خریداری کند و برای مداوی یک بیماری به چندین پزشک برود، اما داروها هیچ اثر برای بهبودی او نداشته باشند.

او می‌گوید که در بسا موارد با مصرف داروهای بی کیفیت به بیماری‌های دیگر گرفتار شده است.

این شهروند از مسولان می‌خواهد تا کسانی که در واردکردن و فروش داروهای بی کیفیت نقش دارند را به نهادهای عدلی و قضایی معرفی کنند و هم‌چنان از مسولان در وزارت صحت می‌خواهد تا همه داروهای بی کیفیت را از سطح شهر جمع‌آوری و نابود کنند.

اما، مسولان در وزارت صحت عامه، موجودیت داروهای بی کیفیت در داروخانه‌های شهر کابل را تایید

می‌کنند و می‌گویند که نمی‌توانند جلو ورود داروها بی کیفیت را بگیرند.

مسولان این وزارت می‌گویند که در سراسر کشور ۸۰۰ شرکت داروی بی کیفیت وارد می‌کنند.

دکتر فیروزالدین فیروز، وزیر صحت عامه کشور با انتقاد از این که چندین مرجع بر واردات دارو در افغانستان نظارت دارند، می‌گوید که این وزارت یک طرح جدید برای نظارت بر واردات دارو را ارایه کرده و مراکز کنترل کیفیت را نیز در شهرهای بزرگ، شهرهای مرزی افغانستان و شهر کابل ایجاد کرده است.

آمارها نشان می‌دهد که حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد داروهای وارداتی به‌شکل قاچاق به‌ویژه از پاکستان و ایران وارد می‌شوند.

به گفته مسولان، قاچاق دارو یک چالش بزرگ برای وزارت صحت عامه و بازرگانان است، زیرا ممکن است داروهای بی کیفیت و تاریخ گذشته، از این طریق وارد افغانستان شوند.

در این حال، مسولان در دادستانی کل اعلام کرده‌اند که فروشندگان دارو و مواد غذایی بی کیفیت مجازات می‌شوند.

مسولان در اداره دادستانی کل کشور می‌گویند، پس از این با کسانی که دارو و مواد غذایی بی کیفیت و یا تاریخ تیر شده را در کشور وارد و به‌فروش برسانند، برخورد جدی و قانونی شده و مجازات می‌شوند.

این اداره با نشر خبرنامه‌ی هم‌چنان گفته است که فرید حمیدی، دادستان کل کشور گفته است که این موضوع



در نشست شورای عالی دادستانی کشور مطرح شده و فیصله گردید که هیچ‌کسی حق ندارد مواد غذایی و داروهای بی کیفیت و تاریخ تیر شده را در کشور وارد و یا به فروش برساند.

آقای حمیدی گفته است که وظیفه اداره دادستانی حمایت از حق صحت و حیات شهروندان کشور بوده و با متخلفان برخورد جدی می‌شود.

پیش از این، کمیته مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری اعلام کرده بود که قاچاق دارو در کشور به گونه سرسام‌آور جریان دارد. بر بنیاد گزارش این

کمیته، داروهایی که در پاکستان تولید و به داخل افغانستان وارد می‌شود، کیفیت پایینی دارد و در این راستا نظارت دقیق صورت نمی‌گیرد.

در حال حاضر افغانستان ۹۵ درصد داروی مورد نیازش را از بیرون از کشور وارد می‌کند، اما ورود داروهای بی کیفیت تجاری، تقلبی، غیرمجاز و تاریخ گذشته به کشور، صحت مردم افغانستان را با خطر مواجه کرده است. نبود کیفیت در داروهای وارد شده سبب شده است تا بیماران برای درمان به خارج از کشور سفر کنند.

بخش نهم و پایانی

تعریف سیاست

محمد مجید عبدالمجید

حمید عنایت در پیش‌گفتار ترجمه سیاست ارسطو توضیح داده است که: مفهوم شهر با polis یونانی تفاوت آشکار دارد. شهر به معنای جایگاه زیست مردمان را در یونانی asty می‌نامیدند. polis در آغاز قلعه‌ایی بود که در پای asty ساخته می‌شد اما مفهوم آن تغییر یافت و به معنی جامعه منظم سیاسی به کار رفت. برخی از محققان می‌گویند که واژه polis در اسناد آتن به‌خصوص به معنای جامعه سیاسی یک کشور در ارتباط با کشورهای دیگر و یا به عبارت بهتر، به معنای «شخصیت بین‌المللی» کشور آمده و در برابر آن واژه «دموس» demis ریشه دموکراسی بر مجموعه سازمان داخلی یک شهر اطلاق می‌شده است.

بنا بر این، اگر واژه پولیس را از زبان یونان باستان جدا کنیم، واژه شهر - دولت بی‌معنی خواهد شد. در واقع سیاست در معنی یونانی، علم حکومت بر شهر بود. این معنی را سی لی مطرح کرده و سیاست را علم شهرها نامیده است. اما این معنی را نباید چنین تعبیر کرد که حدود یا جهان‌بینی متفکران سیاسی یونان باستان محلی یا تنگ بوده است. بررسی‌های سیاسی آن‌ها از بسیاری جهات عمیق‌تر و گسترده‌تر از آن جهان‌بینی‌هایی بود که پس از فروپاشی شهر - دولت‌های یونان و روم باستان پدیدار شد. مفهوم پذیرفته شده و به کار رفته امروزین سیاست از مفهوم علم سیاست فراتر می‌رود. امروز واژه سیاست به مسایل جاری حکومت و جامعه که ماهیت اقتصادی و سیاسی در مفهوم علمی دارند، اشاره می‌کند. به گفته رابرت دال «سیاست یکی از حقایق غیر قابل اجتناب زنده‌گی بشر است. انسان‌ها در هر لحظه از زمان به نوعی با مسایل سیاسی درگیر می‌باشند» تنها از راه روند سیاسی است که انسان می‌تواند امیدوار باشد زنده‌گی خود را بر پایه خرد و کمال مطلوب‌ها قرار دهد.

پریکلس یونانی در یک مرثیه گفته است: «آدمی که به کار سیاست نپردازد، شایسته صفت شهروند بی‌آزار نیست، بلکه باید او را شهر وندی بی‌خاصیت بدانیم.» وقتی که گفته می‌شود کسی به سیاست علاقه دارد، مقصود آن است که او به مسایل جاری کشور مانند مسایل صادرات و واردات، مسایل مربوط به کار و کارگر، روابط قوه مجریه با قوه مقننه، فعالیت‌های احزاب و سازمان‌های سیاسی و بسیاری دیگر از مسایل و فعالیت‌های سیاسی - اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی توجه دارد. در این معنی، سیاست فراتر از یک علم است و سیاست‌مدار هم کسی است در این‌گونه مسایل شرکت فعال دارد و تصمیم‌گیری می‌کند هرچند که ممکن است درک و شناخت چندان درستی از اصول و بنیادهای علم سیاست نداشته باشد. وانگهی، در حالی که علم سیاست آگاهی مشترک انسان‌ها در همه جامعه‌هاست، سیاست کشورها با هم تفاوت دارد. دانشمندان سیاسی برجسته از سراسر جهان در سپتامبر ۱۹۴۸ در کنفرانس یونسکو، علم سیاست را به جای علوم سیاسی و برای نامیدن این رشته علمی پذیرفته‌اند.

اما نویسندگان یا متفکران تاریخ پیشین مانند ارسطو، پلینک، هنری، سجویک، پل ژانت، اصطلاح سیاست را بر علم سیاست ترجیح داده‌اند. اما چنین کاری باعث سردرگمی می‌شود. علم سیاست اصول و بنیادهای گروه‌ها و نهادهای گوناگونی را که در تلاش کسب، افزایش یا حفظ قدرت و نفوذ اند، مطالعه می‌کند.



پرسش‌های بی‌پاسخ علمی در جهان

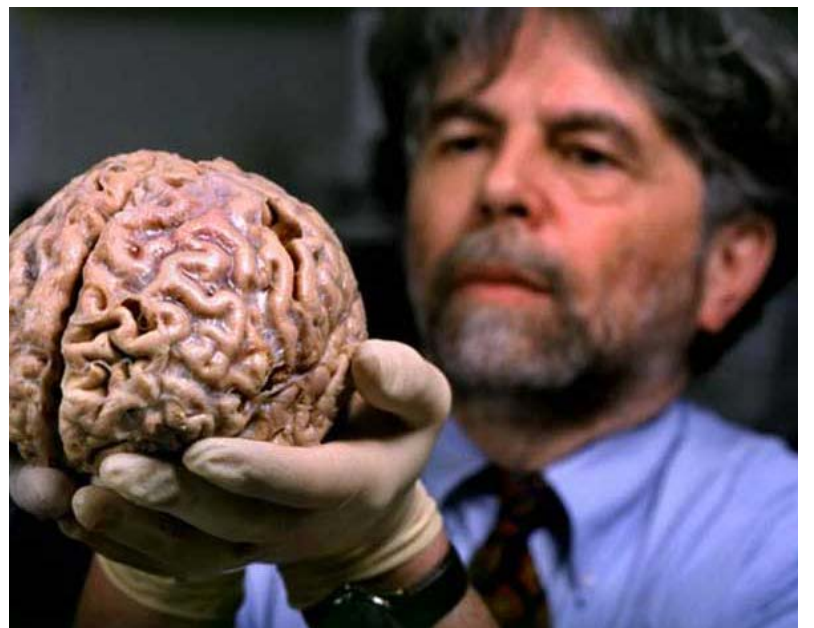
داشتن ذهنی مستقل و شخصی، روح و... از عواملی هستند که پاسخ آن‌ها بیش از چندین دهه از انسان فاصله دارند. این‌گونه به نظر می‌رسد که بشر زمان زیادی را برای پاسخ دادن به حیاتی‌ترین پرسش زنده‌گی خود نیاز خواهد داشت.

زنده‌گی چه‌گونه بر روی زمین شکل گرفته است: نخستین شواهد نشان می‌دهد که حیات اولیه میکروب‌ها در زمین به بیش از سه بیلیون سال پیش بازمی‌گردد و هیچ‌کس از چه‌گونگی آغاز آن آگاه نیست. ایده‌های مختلفی مانند واکنش‌های کیمیایی زنجیره‌ای در بستر دریاها، وجود دارند. دیانا نورتاپ از بیولوژیست‌های دانشگاه نیومکزیکو معتقد است تئوری‌های زیادی درباره منشأ حیات ارائه شده است که اثبات و یا رد آن‌ها بسیار سخت و پیچیده خواهد بود.

مغز انسان چه‌گونه عمل می‌کند: برخی بر این باور اند که تسلط کاملی بر پاسخ علمی این پرسش ایجاد شده است. در واقع نمی‌توان انکار کرد که نسبت به دهه‌های گذشته، اطلاعات بسیار بیشتری از عملکرد مغز در اختیار انسان قرار گرفته؛ اما با وجود بیلیون‌ها نرون عصبی که هر یک از

بشر با وجود سال‌های طولانی که صرف دانش آموختن کرده است، در برابر بسیاری از پرسش‌های موجود در جهان، همچنان ناتوان است؛ پرسش‌هایی که توانایی‌های علمی انسان را در زمینه‌های فیزیک، ریاضی و نجوم زیر سوال می‌برد. پروژه کشف برترین رازهای علم چند سال پیش توسط نشریه «لایو ساینس» آغاز شد و طی آن از چندین دانشمند در زمینه‌های مختلف در این‌باره پرسش‌هایی پرسیده شد. در نهایت از میان ۱۴ پدیده مطرح شده، ۱۰ پدیده به عنوان برترین پرسش‌های بی‌پاسخی که انسان همچنان در جست‌وجوی آن به‌سر می‌برد، توسط این نشریه ارائه شد.

عامل تکامل چیست: بارها تکرار شده است که عامل شکل‌گیری تکامل انتخاب طبیعی است. این دلیل به‌عنوان ماشین اصلی که تولید ارگانیسم‌ها و موجودات پیچیده را به عهده دارد و همچنین به‌عنوان یکی از برترین تئوری‌های علمی شناخته می‌شود. اما آیا تکامل بر اساس انتخاب طبیعی تنها توضیح برای شکل‌گیری ارگانیسم‌های پیچیده است؟ به گفته ماسیمو پیگلیوچی از بخش اکولوژی و تکامل دانشگاه استونی بروک در نیویارک، این پرسش یکی از



هزاران اتصال برخوردار اند، نمی‌توان گفت که انسان درباره عملکرد مغز به قطعیت رسیده است.

اسکات هیوتل از مرکز علوم عصب‌شناختی دانشگاه داک درباره این موضوع می‌گوید: انسان بر این باور است که مغز را به‌گونه کامل درک کرده است، یا حداقل هر فرد با توجه به تجربیاتی که داشته، مغز خود را درک کرده است. اما تجربیات شخصی هر انسان، راهنمای بسیار ضعیفی برای کشف عملکرد کامل مغز به‌شمار می‌رود. پرسش‌های زیادی از جمله چه‌گونگی مطالعه، چه‌گونگی تشکیل شبکه‌های نرونی، چه‌گونگی یادگیری، به‌خاطر سپردن، عشق ورزیدن، شنیدن، حرکت کردن و یا هر عمل دیگری درباره مغز انسان بی‌پاسخ باقی مانده است. در صورتی که بتوان مغز را درک کرد، انسان خواهد توانست تمامی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های فکری، احساسی، استدلالی، عشق و تمامی جنبه‌های حیات را درک کند.

بقیه جهان کجاست: دانشمندان پاسخ این پرسش را با توجه به پدیده‌های مرموز ماده و انرژی تاریک، بخش تاریک جهان می‌نامند. در واقع تنها تمامی گونه‌های ماده و انرژی که تا کنون در جهان یافته شده‌اند، تنها چهار درصد از کل ماده و انرژی واقعی و موجود جهان را تشکیل می‌دهند؛ میزانی که با هیچ برابری می‌کند. ۹۶ درصد باقی‌مانده همچنان ناشناخته‌اند و دانشمندان برای یافتن آن به دورترین نقاط فضا و عمیق‌ترین نقاط زمین روی آورده‌اند.

عامل گرانش چیست: شاید گمان برود

برترین رازهای کنونی علم به‌شمار می‌رود. آیا تکامل تنها تحت تاثیر انتخاب طبیعی قرار دارد یا خصوصیات دیگری نیز در شکل‌گیری آن دخیل هستند؟

در درون یک زلزله چه رخ می‌دهد: قرارگیری چنین پرسشی در فهرست رازهای علمی جهان، کمی دور از ذهن به نظر می‌آید. اما واقعیت این است که انسان تا کنون اطلاعات دقیقی از آنچه در اعماق سیاره زادگاهش در حال وقوع است، ندارد. متخصصان می‌توانند با دقتی بالا مکان آغاز و نوع گسلی که در آغاز زلزله شرکت داشته است را تعیین کنند. حتی امکان پیش‌بینی مدت پس‌لرزه‌ها نیز وجود دارد. اما تا کنون به‌صورت قطعی آن‌چه در هنگام زلزله در حال وقوع است، مشخص نشده. طبیعت و نیروهای طبیعی که گسل‌ها را حفظ کرده و سپس آن‌ها را رها می‌کنند، هم‌چنان ناشناخته باقی مانده‌اند.

تام هیتون زمین‌شناس دانشگاه کلتک باور دارد مشکل لغزش اصطکاکی در زلزله‌ها، یکی از اصلی‌ترین مشکلات موجود در علوم زمینی است و اکنون به یکی از بزرگ‌ترین رازها در اصول فیزیکی زلزله تبدیل شده است.

من کیستم: طبیعت خودآگاهی از گذشته‌های دور روان‌شناسان و دانشمندان شناختی را پریشان و سردرگم کرده بود. جوزف دیلاکس عصب‌شناس دانشگاه نیویارک معتقد است در حالی که انسان بر این باور است که عاملی مستقل به حساب می‌آید، این‌گونه نیست. تمامی اعمال انسان تحت تاثیر فرآیند ناخودآگاه و محیطی قرار دارد. درک چه‌گونگی تصمیم‌گیری هوشیارانه،

محمدشاه فرهود

فیلم: آن سوی خط سکوت

فیلمنامه و کارگردان: همایون پاییز

بر اساس: متن‌ها و پارامتن‌های بانو زینت نور

زمان: ۳۴ دقیقه

سال و محل تولید: کابل، ۲۰۱۶

بخش سوم و پایانی

منی که آویزان مانده، بخشی از کابوس مرد است و منی که با تمام احتیاط به مرده می‌بیند، بخش دیگری از مرد را تشکیل می‌دهد. منی که سایه‌وار بر دیوار گذشته‌ها حک گشته، بخش سومی‌اش را می‌سازد. این من‌های لاکانی (من مخیل، من نمادین و من واقعی) چند چهره‌گی و گسسته‌گی شخصیت را در سکانس‌های کوتاه، فراهم می‌سازند. فیلم، این من‌های گسیخته و پاره‌پاره را به تصویر می‌کشد. من مخیل مرد، همان من آرمانی است؛ آرمانی که طی نیم قرن جدل، بر باد رفته است. متکی به نگرش لاکان، من مخیل، در هنگام کودکی خود را در آینه شکل می‌دهد و کامل می‌سازد. مرد با دیدن به آینه سعی می‌کند که مرز بین خود و تصویر را منهدم کند. بعد از تلاقی با شئی آویزان، به آینه درون اتاق نگاه می‌کند تا خود گم‌شده و خیالی را پیدا نماید و به وسیله آینه پرده بین خود و تصویر خیالی را پاره کند؛ اما در آینه، به جای یک من آرمانی، بازهم توت‌های چند مرد خونین را می‌بیند. من نمادین که از طریق زبان و زنجیره دال‌ها در فضای اجتماعی شکل می‌گیرد، در مرد به دلیل بی‌زبانگی، محکوم به مرگ است. من نمادین می‌تواند بیان رساتری از روشن فکر و همه کسانی باشد که با زبان و کار ذهنی سروکار دارند. این من، متفکری است که زبان را از دست داده و به سکوت دائمی محکوم گردیده است. من واقعی نیز، در میان ازدحام واقعیت‌ها پریشان و سرگردان است. به دنبال چیز گم‌شده، نه به سوی معرفت و اندیشیدن، بل به سوی حفره‌های لا در لا و تاریک.

۸

و فالوس

مرد، در دالان‌های مرگ راه می‌رود. خودش حس می‌کند که جسد خود را بر دوش کشیده است. جسد ذهنی، وحشتناک‌ترین شکل وقوع جسد است. جسد در این رویارویی، خود را در تکرار پوچی هویدا می‌سازد. مردی که در جسدها تکثیر می‌گردد، نعشی که لاشه‌وار با سایه خود در حرکت است. انسان مایوس و مغلوج، نوعی از جسد متحرک است؛ جسدی که در برابر اوضاع از خود عکس‌العمل سازنده و ثمربخش نشان داده نمی‌تواند. در خود و بیرون از خود به آحاد، تقسیم گشته و توانایی‌های لازمه را ازایل کرده است. از این‌روست که حضور بی‌صوت خود را در جسدشده‌گی پدیدار می‌سازد. فیلم، با استفاده از نور، صدا و موسیقی، جسدیت جسدی را به نمایش می‌گذارد که از لحاظ سوسپولوژیک مرده است. در این نگره، جسد، استعاره‌ای از قطعه‌قطعه‌شده‌گی وجدان زمانه است. نمادی از خاموشی و فراموشی.

در دالان سایه‌روشن دو تا جسد در حرکت دیده می‌شوند:

جسدی که حامل جسد است و راه می‌رود

جسدی که بر شانه قرار داد

هر دو نفر که نماد دو نوع "من" اند، مرده اند، اما یکی از اینان به حرکت ادامه می‌دهد تا چرخه مرگ را به صورتی دیگر نشان بدهد.

نقد فیلم آن‌سوی خط سکوت



فالوس

مرد که در کاربرد لوگوس دچار اختلال شده، اینک فالوس این یگانه نماد ابهت و سلطه را در کنار جسد به تماشا می‌گذارد، و فالوگوستریسم بیمار را به تصویر می‌کشد. فالوس، در فرهنگ مردسالار عامل تسلط بر جنس مخالف است. و در جامعه سیاه و سفید، مقتدرترین مرد که مقتدرترین فالوس نیز است، بر جنس خود شهنشاهی می‌کند. این احوال لعنتی در فرهنگ شرق از جایگاه بلند و حتا مقدس برخوردار بوده است. ایستاده شدن فالوس در کنار کله جنازه، برشی‌ست که بافت طنزآمیز و فضای آیرونیک خلق کرده و این صحنه، فرم و زیباشناختی را دگرگون کرده است. حضور فالوس، کنایه هجوآمیزی‌ست که تاریخ مذکر را به یاد جسد می‌آورد. تاریخی که عشق انسانی را فدای سلطه فیزیکی فالوس کرده است. ظهور تصاویر اروتیک در فیلم، تنوع ایجاد کرده و جد و هزل، در برش بس کوتاه ترکیب شده است.

۹

تابلوا

تابلوه‌های روی دیوار، متافورهایی هستند که به اندازه چشم‌های بیننده به نگاه و تأویل‌های متفاوت منتهی می‌گردند. تابلوها نوعی ارجاع و بینامتن به موضوعات دیگر است. در سینمای پساساختاری، از تکنیک ارجاع استفاده می‌گردد. تابلوها که سه فرهنگ را بر دیوار می‌خکوب کرده اند، کابوس مرد را نیز بر تخت دغدغه چارمیخ کرده است. تابلوی چیغ مونک و بوت‌های وان‌گوگ، تابلوی سماع، تابلوی سکسی و پیکره زردشتی، نماهایی که فرهنگ مدرن قرن نوزدهمی را در گلوی فرهنگ امروزه بومی ریخته اند. مردی که نه سماع و سکس را از خود کرده و نه تفکر مدرن را، اینک در کشاکش دو فرهنگ خود را قربانی می‌کند. تابلوی چیغ، در دیوار مرد، چگونه فریاد کشیدن را یاد نمی‌دهد. مردی که به سکوت و تنهایی معتاد گشته، در تقلید اندیشه‌ها غوطه‌ور است، نمی‌تواند با حنجره سنتی، چیغی اکسپرسیونیست بیرون بدهد. تابلوی بوت‌های روستایی نیز با مرد شرقی که ژست مدرن دارد، بیگانه‌گی می‌کند. یک جوهر بوت جدید که در زیر تابلوی وانگوگ آویزان است، به خوبی نشان می‌دهد که مرد می‌خواهد از موضع تقلید، بوت‌های وان‌گوگی بیوشد (همان‌گونه که از روی هر چیزی از جمله از روی فلان ایسم لباس ایسمی می‌پوشد). این تقلید و نیندیشدن است که مرد را پس از شکست‌های مکرر، به بن‌بست و خودکشی می‌برد. مرد، کاپی بوت‌های وانگوگ را از میخ دیوار می‌گیرد اما به پاهایش جور نمی‌آیند و از همین‌روست که با پای لچ بر روی سنگلاخ و سنگ‌ریزه به سوی مرگ می‌رود... و معلوم نیست که چرا زن در میان این‌قدر کفش رنگارنگ، بوت‌های ون‌گوگی را می‌جوید. زن که خودش به ابژه تبدیل شده، نه طعم عشق را چشیده

بادپکه: بادپکه اگر در فیلم ظاهر نمی‌شد، حس زمان به طرز بهتری در مخاطب رخنه می‌کرد. حضور فیزیکی بادپکه، از حالت استعاره‌ای و نمادین بودن بیرون می‌پرد و تصویر نامرئی و خیره‌بسی که گردش زمان را با تندی و کندی‌اش روایت می‌کند، با خودخواهی یک مشت آهن دایروی، تخیل بیننده را ضربه می‌زند و از تأثیرات حسی آن می‌کاهد. کاش بادپکه از انظار گم می‌بود و با تکنیک‌های دیگر، حرکت زمان به انقیاد تصویر می‌آمد. چون حرکت چرخشی و صدادار بادپکه و قدم‌های مورچه‌وار و ساکت مرد، که گاهی زمان در زیر پاهایش متوقف می‌گردد، الگوی خوبی از تضاد بین سکون و حرکت ایجاد کرده، اما حرکت چرخشی زمان در بازی سایه و مرد، محکوم و یک‌ریخت مانده است.

سینمای افغانستان

سینمای ما اگر بخواهد راهی به سوی آینده باز کند، چاره‌یی ندارد مگر این‌که از ترکیب و ارجاعات استفاده کند. استفاده از نظریه‌های ترکیبی و استفاده از امکانات و ظرفیت‌های بی‌شمار سینمایی. سینمای ما در مجموع از فقدان ترکیب و تلفیق رنج می‌برد، مهلکه و مضحکه را از هم جدا می‌کند. بین جد و هزل فاصله می‌اندازد. از ارجاع و آمیزش ژانرها می‌گریزد. زبان اروتیک را سانسور می‌کند. ما هنوز هم می‌خواهیم فیلم‌های یک‌دست و یک‌پارچه تولید نماییم. می‌ترسیم که فیلم جدی را به خنده و مضحکه "آلوده" سازیم. در صحنه‌های هزل‌آمیز می‌توان لحظه‌های جدی را فراموش نکرد. داوری زیباشناسانه بر مبنای عناصری سمعی و بصری، بر شالوده فرم و محتوا شکل می‌گیرد. اگر برخی از صحنه‌های یک فیلم در فضای آیرونیک شناور باشد، زمینه را برای برداشت‌های زیباشناختی، بیشتر فراهم می‌سازد.

۱۱

حفره دایره‌ی

اگر فیلم بشکل چندپهلوی و چندمسیره خاتمه می‌یافت، شاید زمینه درک متکثر و تعلیق مضاعف را بیشتر فراهم می‌کرد. آغاز و پایان فیلم بالای بیننده تأثیر ویژه دارد. روال فیلم در نزد فیلم‌ساز ایجاب می‌کرد که خودکشی مرد را در اشکال مختلف نشان بدهد. گهی خود را حلق آویز کند و گهی از بلندترین قله خود را به زمین پرتاب کند و در حین مردن نشان بدهد که چندین مرد است که در حال سقوط قرار دارند. و در پایان، همین کابوس‌مردی که چند بار خودکشی کرده است، با وداع با فالوس و جسد خود، به دنبال سایه خویش به پلکان یک حفره دایروی پائین می‌رود.

در این فیلم نه دکتر فاولست به ظهور می‌رسد و نه دکتر فرانکشتین به داد شخصیت کابوسی می‌شتابد تا جان اشیا و آدم‌ها را رونق تازه ببخشند. مردی که حتا به‌طور مخفف نیز نامی ندارد، نمی‌تواند با اشیا و انسان‌ها ارتباط تأمین نماید. هر لحظه، از زمان چندین فرسنگ عقب می‌ماند. زمان پیش می‌رود و مرد در زیر سایه زمان به حرکت عبث و مدور ادامه می‌دهد. غرامت نیندیشی و شکست را از طریق مردن‌های متوالی پس می‌دهد.

آن‌سوی خط سکوت، کمک می‌کند تا مخاطب کمی به خود بیاید و از گور کردن جنازه خود دور شود، با جسدبودگی وداع کند، از نوشتن شعر بر ضریح خویش بپرهیزد و از طریق فالوس، سلطه‌خواهی نکند و مانند نوازنده کشتی تایتانیک، سمفونی مردن در زیر آب ننوازد. بجنبد و به خود بیاید.

مرد، با کهنشانی از درد و صداقت ناپدید می‌گردد و غولان کلاسیک برای فتح قرارگاه، به سلطه و مستی ادامه می‌دهند. دیواری که هیچ سطرپی در آن خوانده شده نتوانند، طبیعی‌ست که به آوردگه سر و ساتور تبدیل می‌گردد. آن‌سوی خط تاهنوز سکوت پابرجاست!

و نه رابطه را، در دل دشت در محاصره کفش‌هایی که صاحب ندارند، گیر مانده است. تابلوی سکسی، فقدان و ممنوعیت گفتن را در قاب خانه پنهان کرده است.

۱۰

طنز و هجو

در سینمای امروز، یکی از کمبودهای فاحش، بازی سطحی با زمان و فقدان طنز است. فیلم، در فضای آیرونیک، می‌تواند جدی‌های خود را برجسته کند. از آن‌جایی که فیلم آن‌سوی خط سکوت، تابع سبک‌های کلاسیک و مدرن سینمایی (نیورالیسم، اکسپرسیونیسم، امپرسیونیسم، ناتورالیسم...) نیست، با فضا و عناصر دیگر (آشفته‌گی، ارجاع، کلاژ، فرار، فاصله‌گذاری، شاعرانه‌گی، تنوع...) درگیر است. اگر طنز و هجو، تنهایی و رسوایی، به شکل ترکیبی در فیلم پدیدار گردد، فیلم را با تمی که مدنظر است، به گونه مستحکم‌تر افاده می‌کند. ترکیب مهلکه با مضحکه و جد با هزل... امکانی‌ست که کاربرد آن فضای زیباشناختی را دگرگون می‌سازد. تکانه و تأثیر متفاوت‌تری را خلق می‌کند. در این کلاژ، آن‌چه استوار و پر قدرت پنداشته می‌شد، با یک حرکت طنزآمیز، دود می‌شود و به هوا می‌رود. شخصیت فیلم آن‌سوی خط سکوت را می‌شد با تمام جدیت و غمناک بودنش، با طنز و هجو، کمی مسخره و رسوا ساخت. چون خودکشی‌های مکرر ش ایجاب می‌کرد که درون منفجر شده را با شیوه‌ها و ابزارهای متفاوت، به بیان آورد.

طنز، امکان و ابزار خوبی در سینماست. چاپلین با ارایه فیلم‌های کمیک و طنزآلود توانست جدی‌ترین معضلات اجتماعی دنیای بورژوازی را مطرح کند. چارلی نشان داد که طنز دارای پوتنسیل شگفت‌انگیز و تکان‌دهنده است. با خلق مضحکه می‌توان چیزهای قابل هجو را، سست و متزلزل کرد. فیلم دیکتاتور بزرگ چارلی چاپلین، یکی از نمونه‌های تأثیر پرچاذه طنز است که حتا بزرگ‌ترین دیکتاتوران عالم را با یک هزل از جد می‌اندازد. در فیلم آن‌سوی خط سکوت، امکانات فراوانی وجود داشت تا جد با هزل ترکیب می‌گردید و مهلکه با مضحکه همراهی می‌کرد. اما فیلم به این فضاها کمتر داخل شده و در جایی که به کنایه و طنز پرداخته (فالوس و جسد)، چیز تازه‌ی خلق شده است. این مباحث را به این خاطر مطرح می‌کنم تا فیلم‌سازان از طنز و ارجاعات کنایی استفاده خلاقانه نمایند. من به کسی نسخه و طومار نمی‌تراشیم، اما از ارایه پیشنهاد نیز امتناع نمی‌کنم.

من برای نقد فیلم آن‌سوی خط سکوت، به کارهای قبلی همایون پاییز مراجعه کردم. فیلم عروج را دیدم. در این فیلم طنز تلخی را پیدا کردم که خیلی مستحکم بود. چارلی در فیلم دیکتاتور بزرگ، دیکتاتور را با کاربرد طنز، ریشخند و مسخره می‌سازد. در فیلم عروج نیز منشی حزبی که خود را امپراتور می‌پندارد، با طنز، ریشخند و مسخره می‌گردد.





"بهار خونینی در پیش داریم"

وزارت دفاع: به دشمن تبلیغ نکنید!



نایب نوری

ناظران معتقد هستند که ما بهار پیش روی افغانستان خونین خواهد بود، زیرا کنترل جنگ از دست حکومت خارج شده است. آنان باور دارند که سربازان ما نیت دفاع از وطن و ناموس را دارند؛ اما متأسفانه رهبری و مدیریت درست وجود ندارد و سربازان ما بیهوده در میدان جنگ کشته می‌شوند. اما مسوولان وزارت دفاع ملی با رد این گفته‌ها می‌گویند: یک بخش عملیات "شفق دو" حالت تعرضی دارد و همین اکنون نیروهای اردوی ملی همه روزه در ۱۰ و ۱۵ ولایت عملیات را طرح‌ریزی و اجرا می‌کنند. این واکنش‌ها در پی حالت دفاعی نیروهای امنیتی در برابر طالبان ابراز می‌شود. همه ساله طالبان در فصل زمستان حالت دفاعی اختیار کرده و مشغول تجهیز و آماده‌گی برای جنگ در فصل بهار را می‌گیرند و کمتر درگیر جنگ با نیروهای امنیتی می‌باشند. عبدالوود پیمان عضو مجلس نمایندگان می‌گوید: کنترل جنگ از دست حکومت افغانستان خارج شده؛ اما حکومت نمی‌خواهد

که واقعتاً ما به مردم بگوییم. او تأکید کرد: طالب امروز طالب دیروز نیست، امروز طالبان را روسیه، ایران و ... حمایت می‌کند و داعش هم به این گروه اضافه شده و حکومت هم حالت دفاعی را اختیار کرده است؛ بنابراین ما بهار خونینی در پیش داریم. به باور او: مساله مهم‌تر اینکه طالبان در میان خود مشکل پیدا کردند؛ اما حکومت افغانستان توانایی استفاده از شکاف میان طالبان را ندارد و نمی‌تواند جنگ را مدیریت کند. به گفته این عضو مجلس: سربازان ما نیت دفاع از وطن و ناموس را دارند؛ اما متأسفانه رهبری و مدیریت درست وجود ندارد و سربازان ما بیهوده در میدان جنگ کشته می‌شوند. او افزود: از یک سو وزیر دفاع یک شخص ناتوان و فاقد مدیریت است و از جانی هم کنترل جنگ در دست حکومت افغانستان نیست؛ بنابراین ما بهار خونینی در پیش داریم. این عضو مجلس همچنان گفت: مساله مهم دیگر اینکه داعش در حال شکل گرفتن است و این مساله نشان می‌دهد که جنگ سرد یکبار دیگر در حال شکل گرفتن است و کنترل اوضاع از دست

رهبان محاذ ملی و رییس شورای عالی صلح در گذشت



پیرسیداحمد گیلانی، رییس شورای عالی صلح افغانستان شنبه شب در یکی از شفاخانه‌های پایتخت در سن ۸۵ ساله‌گی درگذشت. پیرسیداحمد گیلانی افزون بر ریاست شورای عالی صلح، رهبری حزب محاذ ملی را نیز برعهده داشت. ارگ نیز با انتشار خبرنامه‌ی، درگذشت آقای گیلانی را «ضایعه‌ی بزرگ» برای افغانستان خوانده است.

پیرسیداحمد گیلانی فرزند سیدحسن گیلانی در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در ولسوالی سرخ‌رود ننگرهار به دنیا آمد.

او از صنف دوازدهم مدرسه امام ابوحنیفه فارغ شد و تحصیلات عالی را تا درجه لیسانس در دانشکده شرعیات دانشگاه کابل به اتمام رساند.

گیلانی، رهبر طریقت صوفیه قادریه در افغانستان بود که پس از به قدرت رسیدن حزب دمکراتیک خلق در سال ۱۳۵۷ به پاکستان پناهنده شد و در آنجا حزب سیاسی-نظامی محاذ ملی اسلامی افغانستان را در مخالفت با حکومت متحد شوروی بنیان نهاد.

پیرسیداحمد گیلانی و حزب او پس از به قدرت رسیدن طالبان نیز با حکومت آنان به مخالفت پرداخته و وارد ائتلاف شمال شد. گیلانی از نواده‌گان عبدالقادر گیلانی، مؤسس طریقت قادریه است. پدرش سیدحسن گیلانی در بغداد به دنیا آمده بود، اما در سال ۱۹۰۵ میلادی از عراق به افغانستان آمد تا طریقت قادریه را در این کشور بنیان‌گذاری کند. حبیب‌الله خان، پادشاه وقت افغانستان به او زمین‌های زیادی در شهر کابل و ولایت ننگرهار در شرق افغانستان بخشید.

گیلانی، در سال ۱۹۵۲ با عادل، نوه حبیب‌الله خان ازدواج کرد و از این طریق رابطه‌اش را با خاندان شاهی افغانستان مستحکم‌تر ساخت. او در جریان ایجاد حکومت انتقالی حامد کرزی، قاضی القضاات بود.

پیرسیداحمد گیلانی، در دوران حکومت حامد کرزی از حامیان او به شمار می‌رفت و در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۳ افغانستان از اشرف‌غنی احمدزی حمایت کرد.

حکومت افغانستان خارج شده است. بااین حال عتیق‌الله امرخیل آگاه نظامی سیاسی به این باور است که نیروهای امنیتی افغانستان در حال حاضر در حالت دفاعی قرار دارد و نیت حمله به طالبان وجود ندارد؛ بنابراین بهار آینده یک بهار خونینی خواهد بود.

امرخیل می‌گوید: در حال حاضر اگر حکومت افغانستان برای بهار آینده آماده‌گی لازم را بگیرد و حالت تعرض را اختیار کند، بدون شک طالبان نمی‌توانند در سال آینده موفقانه عمل کنند؛ اما متأسفانه حکومت افغانستان در حال حاضر در حالت دفاعی قرار دارد.

به گفته این آگاه نظامی سیاسی: عملیاتی‌های که زیر نام "شفق دو" پلان شده، بسیار به کندی به پیش می‌رود، در حالی که در فصل زمستان باید طالبان را محاصره کرده و لانه‌های آنان را از بین می‌بردند؛ اما متأسفانه چنین چیزی جریان ندارد.

او تأکید کرد: اگر ما حالت دفاعی اختیار کنیم و فشار دایمی بالای دشمن نداشته باشیم، بدون شک پیروز نخواهیم شد؛ با توجه به این مسایل ما یک بهار خونینی در پیش داریم و در سال آینده جنگ‌ها شدت پیدا خواهد کرد.

اما مسوولان در وزارت دفاع ملی، حالت دفاعی نیروهای امنیتی را رد کرده تأکید دارند که یک بخش عملیات "شفق دو" حالت تعرضی را دارد و همین اکنون نیروهای اردوی ملی همه روزه در ۱۰ و ۱۵ ولایت عملیات را طرح‌ریزی و اجرا می‌کنند.

دولت وزیری سخنگوی وزارت دفاع ملی می‌گوید: همه روزه از طرف نیروهای هوایی و قطعات خاص ما در ولایات و مناطق مختلف عملیات اجرا می‌شود و در هر نقطه‌ی که تهدید وجود داشته باشد عملیات طرح و اجرا می‌شود.

وزیری، پیش‌بینی کارشناسان نظامی مبنی برخونین خواندن بهار آینده را تبلیغ برای دشمنان افغانستان عنوان کرده تأکید کرد: ما در ولایت فاریاب، هلمند، قندهار، ارزگان و ننگرهار عملیات بسیار خوبی داشتیم؛ بنابراین کسانی که می‌گویند وزارت دفاع ملی حالت دفاعی اختیار کرده؛ بدون شک برای دشمن ما تبلیغ می‌کنند.

این حالی است که همین اکنون بخشی از ولایت ننگرهار در کنترل گروه داعش قرار دارد و ولایت‌های هلمند، فراه، ارزگان و در شمال ولایت کندز فاریاب و جوزجن همچنان ناامن است و مردم کندز در حالی ترک خانه‌های شان به دلایل مشکلات امنیتی اند.

د سولې عالی شورا نوی مشر باید بانفوذ او اغېزمن شخص وي



اسلامی تر منځ د سولې بين الافغانی خبرې په برياليتوب ترسره شوې.

پير سيد احمد گيلاني پر افغانستان د روسانو د يرغل پر مهال په ۱۹۸۰ ميلادي كال كې د يو جهادي مشر په توگه وپېژندل شو چې د محاذ ملي اسلامي گوند يې جوړ كړ.

كه څه هم په وار وار سره د ملي شورا او په افغانستان كې يو شمېر سياسيونو د سولې د عالي شورا كړنې بې اغېزې ارزولي او ويلي چې دغه شورا بايد لغوه شي خو دغه شورا د حكومت او حزب اسلامي تر منځ د سولې هوكره د پير سيد احمد گيلاني په مشرۍ د يادې شورا مهمه لاسته راوړنه گڼي.

ويل كېږي چې نوموړي د وسله‌والو طالبانو له مشرانو سره هم څو ځلې اړيكي نيولي وې. په ورته وخت كې افغان سياسي كارپوه حميد عزيز ازادي راوړيو سره خبرو كې پير سيد احمد گيلاني يو بې طرفه شخص وباله او وويل چې د

د افغانستان د ولسي جرگې اداري پلاوي او يو شمېر سياسي كارپوهان وايي، كه د سولې عالي شورا ته نوي رئيس ټاكل كېږي بايد داسې كس وي چې پر وسله‌والو مخالفينو او د افغانستان په مسايلو كې پر ښكېلو هېوادونو خپل اغېز ولري.

په داسې حال كې چې افغان حكومت د سولې عالي شورا رئيس د خاورو ته سپارلو په چارو بوخت دي، د ولسي جرگې اداري پلاوي او يو شمېر كارپوهان وايي چې د دغې شورا لپاره نوي رئيس بايد له وسله‌والو مخالفينو سره د سولې په خبرو كې له هر اړخه پر دوي اغېز ولري.

دوي د يكشنبې په ورځ ازادي راډيو ته وويل چې حكومت بايد د سولې عالي شورا د رياست لپاره داسې كس انتخاب كړي چې د جگړې ټولو ښكېلو اړخونو ته د قبول وړ وي.

نوموړي زياته كړه: "موږ داسې با نفوذه او اغېزناك كسان چې د سولې په برخه كې يې خلك غږ اوږي لرو، دا بايد داسې كس وي چې د هغو هېوادونو سره كوم چې د افغانستان په مسايلو كې ښكېل وي اړيكي ټينگې كړي، دغه شان بايد پر وسله‌والو مخالفينو هم اغېز ولري او اعتماد يې خپل كړي، تر څو د سولې عالي شورا وكولای شي چې ځانگړې لاسته راوړنې ولري."

ښاغلي غفاري پير سيد احمد گيلاني، يو بانفوذ او اغېزناك شخص ياد كړ وويل چې د ښاغلي گيلاني په شان نور شخصيتونه هم شته چې د هغه نيمگړي مزل پوره كړي.

د افغانستان د سولې عالي شورا رئيس پير سيد احمد گيلاني تېره شپه د ۸۴ كلنۍ په عمر د هغې ناروغۍ له امله چې ورپېښه شوې وه د كابل په امنيت روغتون كې د ژوند پور پرې كړ.

ولسمشر غني د پير سيد احمد گيلاني مړينه يوه ستره ضايعه بللې ده او ويلي يې دي چې د افغانستان خلك په حساسو شرايطو كې له يو ملي لوی جهادي رهبر او شخصيت څخه بې برخې شول.

له ارگ څخه خپره شوې خبرپاڼه وايي چې د پير گيلاني په مشرۍ د افغان حكومت او حزب

فیسبوک نامه

عبدالرحمن معلمزاده



خانۀ گلی فرمانده نامدار جهاد و روزگار مقاومت:

زمانی که خُرد بودم و به کابل و پنجشیر سفر نکرده بودم، از رادیوها نام شیر درۀ پنجشیر را می شنیدم، قهرمانی هایش را رسانه‌های شنیداری یادآوری می کردند، باخود می گفتم، این احمدشاه مسعود چی کسی باشد و در چی بلند منزل‌ها و کاخ‌های مجلل زنده‌گی کند؟ این سوال‌ها ذهنم را همیشه به خود مشغول می داشت. درست زمانی که در سال ۱۳۸۶ به درۀ پنجشیر رفتم و به دیار گم کرده خود (مسعود بزرگ) شتافتم. بعد از ادای احترام و دعا در آرامگاه‌اش، سری زدم به خانه ایشان و به فکر همان کاخ‌ها و بلند منزل‌ها بودم. زمانی به دروازه خانه ایشان رسیدم و برای سرباز پهره دار گفتم: برادر من فرزند شهید نیک محمد معلم، فرمانده عمومی مجاهدین بادغیس هستم و می خواهم حویلی آمر صاحب را ببینم. سرباز به بسیار احترام من را به داخل حویلی رهنمایی کرد. خانۀ مخروبه گلی را دیدم که اصلاً باور نکرده. به خود گفتم، شاید این سرباز من را تمسخر کرده باشد. دیدم پیرمردی در آنجا ایستاده است. برایش گفتم: بابا این جا خانۀ احمدشاه مسعود است؟! گفت: بلی. باز هم باور نکرده. برایش تکرار کردم: بابا! یامن مزاح نکن، من از ولایت دور دست آمده‌ام. می خواهم خانۀ آمر صاحب شهید را از نزدیک ببینم. برایم گفت: باور کن همین خانۀ آمر صاحب است.

وقتی این خانه را دیدم، اشک از چشمانم جاری شد. فکر کردم که این همان خانۀ بی است که بعد از شهادت پدرم به ما به میراث مانده بود و این خانه برای احمد مسعود به میراث مانده است. گلی و مخروبه. این جا یقیناً ثابت شد که مردان بزرگ و با خدا در این دنیا قصر ندارند. حتماً قصرهای شان در آخرت برای شان در بهشت داده می شود. بعد آن روز، مسعود را نه تنها به حیث فرمانده دل‌ها، بلکه به حیث یکی از اولیای خدا دانستم و بیش تر از هر کسی دیگر دوستش دارم و احترامش می کنم و یقیناً در بارۀ شخصیتش، که حقاً مجاهد مرد واقعی بود، بیشتر شد. روح مردان بزرگ شادباد و خاک برای شان گوارا باد. پ.ن: این خانه باید به حیث میراث تاریخی و اقامتگاه یک فرمانده بزرگ در کتب تاریخ به خط زرین ثبت گردد.

روح الله یوسفزاده



به باور این حقیر، مقالات و تحلیل‌های سیاسی را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱- تحلیل‌های نوشته شده توسط ژورنالیستان و تحلیل گران بی پول و کم دانش.
۲- تحلیل‌های نوشته شده توسط سیاستمداران اپوزیسیونی و خارج از قدرت.

۳- تحلیل‌های نوشته شده توسط سیاستمداران داخل قدرت.
۴- تحلیل‌های نوشته شده توسط نویسندگان و صاحب نظران گرم‌سرد

چشیده، خودساخته و به نان‌وام رسیده. گروه اول، تازه کار است و آلاخون و الاخون. درس‌هایش را درست نخوانده و جیب‌هایش مثل مغزش خالی‌ست، اما چاره‌ی ندارد جز پُر کردن هم‌زمان هردو، و مسلماً انباشتن جیب مرجح بر مغز است. به همین خاطر، حتا اگر مغزش شگوفاً شود، تحلیل‌هایش همچنان پوچ و متناقض می ماند. این بی‌چاره‌گک‌ها در کنار تحلیل، مجبور به کشیدن آب حوض، خفه کردن پیرزن و شستن اموات‌اند. آنان هم سر پیاز می شوند، هم کون پیاز. گاه بر این می تازند و گاه بر آن، گاهی هم با هردو آشتی می کنند و در برابر سومی «فیسبوک چلوونکی» می شوند. بنابر این، ثواب نخواندن نوشته‌های آنان بیشتر از عقاب آن است.

گروه دوم، در خلال تحلیلی، در تلاش اثبات خود و تبلیغ ایده‌ها و آداب خویش است. عشق این عده به قدرت و تکاپو برای ورود به صحنه، همواره پای تحلیل‌های شان را می لنگاند. پای لنگ اگر چه غنیمت است، اما خیر و برکتی در آن نیست. گروه سوم، نیازی به نوشتن و تحلیل ندارد، دیگران به اندازه کافی درباره آنان، در برابر آنان و برای آنان می نویسند، اما با این همه به ندرت لازم می افتد چیزی بنویسند تا کارکی صورت بگیرد. البته شاید آن را هم خود خودشان بنویسند، ولی سوژه و اهداف از آنان‌ست و نام درخشان‌شان نیز با صلابت تمام بر پیشانی نوشته حک می گردد. این نوشته‌ها مسلماً ابزاری‌اند برای بازی سیاست و سیاه‌بازی‌های رایج در آن. آنان را باید با شک و تردید خواند و اجزای آن را همانند معما به هم ریخت و دوباره از نو چید تا رخ پنهان یا نیمه گم شده‌اش آشکار شود. و اما گروه چهارم، نوشته‌هایی‌اند که از مغزهای انباشته و افکار ورزیده می تراوند. صاحبان این مغزها از دوره دربه‌دردی و نوشتن برای نان‌وام عبور کرده، خود را ساخته و به نام نیک رسیده‌اند. آنان برای دل خودشان قلم می زنند و تمام دغدغه‌شان این است که راست‌و‌درست بنویسند. این عده شاید اشتباه کنند، اما ایداً قصد سیاست و سیاه‌بازی ندارند. نوشته‌های چنین اشخاصی که شمارشان اندک است را باید جدی گرفت، نقد کرد و به حافظه سپرد.

پ.ن: این یادداشت، هنگام خواندن یک تحلیل به اصطلاح مهم از یک آدم بسیار مهم از یک کشور بسیار مهم تر به ذهن رسید. نمی دانم مورد قبول‌تان قرار می گیرد یا خیر؛ اما خودم گمان می کنم چنین بخش‌بندی بی به همه مقالات و تحلیل‌های سیاسی نوشته شده در همه دنیا صدق می کند، امریکا و افغانستان هم ندارد.

کشور جهان‌نا

اشتاین مایر:

جهان به سمت دوران پر آشوبی در حرکت است

فرانک والتر اشتاین مایر، وزیر امور خارجه آلمان در گفت‌وگو با یک روزنامه آلمانی گفت: پس از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در آمریکا "نظم قدیمی جهانی به پایان رسیده است" و به سمت دورانی پر آشوب در حرکت هستیم.

اشتاین مایر در مقاله‌ی که در روزنامه «بیلدام زونتاک» منتشر شد، نوشته است: با او کار آمدن ترامپ در آمریکا جهان قرن بیستم به‌طور قطعی و برای همیشه به پایان رسید. اشتاین مایر در ماه‌های اخیر، صریح‌ترین چهره منتقد ترامپ در آلمان بوده است.

او در مقاله روز یکشنبه خود نوشت: این که جهان فردا چه وضع و شکلی خواهد داشت، هنوز مشخص نشده و کاملاً گشوده است.

اشتاین مایر ابراز عقیده کرد که تغییرات به سمت بهتر شدن نیست و جهان باید برای دورانی پر آشوب آماده شود.

او در عین حال نوشت که دولت آلمان به دنبال گفت‌وگو با دولت ترامپ و "تبیین مواضع، ارزش‌ها و منافع ما" خواهد بود.

آقا مایر ابراز اطمینان کرد که در واشنگتن (در دولت ترامپ) هم مخاطبانی هستند که می‌دانند کشورهای بزرگ هم به شریک نیاز دارند.

دونالد ترامپ بیستم جنوری (اول بهمن ماه) پس از برگزاری مراسم سوگند، در حالی به عنوان چهل و پنجمین رئیس‌جمهوری امریکا آغاز به کار کرد که سخنان او در دوران کارزار انتخاباتی و پس از پیروزی در انتخابات هشتم ماه نوامبر، بسیاری را در داخل و خارج امریکا با نگرانی‌هایی مواجه ساخته است.

روسیه:

مواد مخدر منبع در آمد داعش است

سرگی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد که کشت و قاچاق مواد مخدر، بخشی از درآمد داعش و گروه‌های تروریستی دیگر در افغانستان و سایر کشورهای منطقه را تشکیل دهد.

لاوروف دیروز یکشنبه در همایش بین‌المللی مبارزه با قاچاق مواد مخدر در مسکو گفت که این مواد تهدید واقعی برای روسیه است و خسارت‌های سنگینی به اقتصاد کشور و سلامتی مردم وارد می‌کند.

وزارت امور خارجه روسیه به نقل از سخنان او نوشته است: مواد مخدر افزون بر وارد کردن زیان‌های مالی و اجتماعی، با امنیت بین‌المللی نیز ارتباط منفی دارد، زیرا از راه قاچاق آن، بخش قابل توجهی از هزینه فعالیت‌های گروه‌های تروریستی، خرابکار و جنایتکار تأمین می‌شود. وزیر خارجه روسیه همچنین خاطر نشان کرد: در کشور افغانستان نزدیک روسیه، کشت و تولید مواد مخدر هر سال افزایش می‌یابد. در مناطق تحت کنترل مخالفان، از جمله طالبان و نیز داعش که فعالیت خود را تا سوریه و کشورهای آفریقایی گسترش داده‌اند، قاچاق مواد مخدر از منابع اصلی کسب درآمد گروه‌های تروریستی محسوب می‌شود.

مقامات روسیه بارها اعلام کرده‌اند که گروه تروریستی داعش درآمدهای هنگفتی از قاچاق مواد مخدر کسب می‌کند و شبکه‌ی از قاچاقچیان را در منطقه تحت کنترل دارد.

منچستر یونایتد پُر در آمدترین باشگاه فوتبال جهان



طبق گزارش موسسه خدمات حرفه‌ی دلویت/ Deloitte باشگاه بریتانیایی منچستر یونایتد، پُر درآمدترین باشگاه فوتبال جهان در فصل گذشته بود. این تیم لیگ، برتری با به دست آوردن ۵۱۵ میلیون پوند (۶۳۵ میلیون دلار) در طول فصل ۲۰۱۶/۲۰۱۵ بزرگ‌ترین درآمد سالانه را بین تیم‌های فوتبال در جهان داشت.

موفقیت اقتصادی منچستر یونایتد در فصل گذشته به ۱۱ سال برتری باشگاه اسپانیایی رئال مادرید به عنوان پول‌سازترین باشگاه فوتبال در جهان پایان داد. رئال مادرید پس از بیش از یک دهه تسلط اقتصادی، پس از بارسلونا، در رده سوم جدول امسال «دیلویت» قرار گرفته است.

موفقیت اقتصادی باشگاه منچستر یونایتد بازتاب‌دهنده موفقیت و رشد اقتصادی لیگ برتر انگلستان است. درآمد سالانه لیگ برتر انگلستان در فصل ۲۰۱۶/۲۰۱۵، شاهد رشد ۷۱ میلیون پوندی (۸۷ میلیون دلاری) بود.

در مجموع، درآمد سالانه بیست تیم برتر لیگ‌های فوتبال انگلستان در فصل گذشته، ۶.۴ میلیارد پوند (۷.۸ میلیارد دلار) بود- که نشان‌دهنده ۱۲ درصد رشد اقتصادی است.

حضور پنج باشگاه انگلستانی در فهرست ۱۰ باشگاه پول‌ساز جهان، نشان‌دهنده رونق اقتصادی این لیگ است. علاوه بر منچستر یونایتد، باشگاه‌های منچستر سیتی، آرسنال، چلسی و لیورپول نیز دیگر باشگاه‌های لیگ برتر انگلستان در فهرست دلویت هستند.

بایرن مونیخ که فصل گذشته ۴۴۲ میلیون پوند (۵۴۴ میلیون دلار) به جیب زد، در رده چهارم این فهرست قرار گرفته و تنها نماینده لیگ فوتبال آلمان است. لیگ‌های فوتبال فرانسه و ایتالیا هم هرکدام یک نماینده در فهرست پُر درآمدترین باشگاه‌های جهان را دارند: پاری سن ژرمن با درآمد ۳۸۹ میلیون پوند (۴۷۹ میلیون دلار) در رده ششم است، و یوونتوس هم که فصل گذشته ۲۵۵ میلیون پوند (۳۱۳ میلیون دلار) درآمد داشت، آخرین تیم فهرست پُر درآمدترین باشگاه فوتبال جهان در فصل ۲۰۱۶/۲۰۱۵ است.

راموس:

داستان آب دهان انداختنم به سمت اسپاس، کار بارسلونایی‌ها است



سرخو راموس از رییس تیم سابقش که به اهانت هواداران سفیدپوشان آندلس به کاپیتان رئال مادرید هیچ واکنشی نشان نداد، انتقاد کرد.

سرخو راموس، مدافع میانی اسپانیایی تیم فوتبال رئال مادرید که شب گذشته هردو گل پیروزی خانگی ۲ بر یک کله‌کشانی‌ها را برابر مالاگا به ثمر رساند، در کنفرانس خبری پس از این بازی درباره مسایل مختلفی از جمله اهانت‌هایی که در بازی قبلی تیمش در خانه سویا به او صورت گرفت، صحبت کرد.

او گفت، از این که خوسه کاسترو، رییس باشگاه سویا رفتارهای توهین‌آمیز هواداران این تیم در قبال کاپیتان کله‌کشانی‌ها را محکوم نکرده، متعجب شده است. راموس اظهار داشت: من از این که رییس باشگاه سویا علناً در برابر هواداران خشن این تیم واکنشی نشان نداده است، شوکه شده‌ام. آنان لایق هیچ گونه احترامی نیستند.

مدافع میانی کله‌کشانی‌ها به باخت هفته گذشته تیمش در خانه سویا اشاره کرد و دلیل آن را این‌گونه توضیح داد: برابر سویا ما داشتیم یکی از بهترین بازی‌های این فصل‌مان را انجام می‌دادیم، اما در ۵ دقیقه پایانی، کم آوردیم. راموس در پاسخ به سؤالی درباره سوت هواداران رئال و «هو» شدن او و هم‌تیمی‌هایش در سانتیاگو برنابئو به دلیل بازی ضعیفی که برخی دقایق مسابقه ارایه کردند، عنوان کرد: هواداران ما بهترین بازیکنان تاریخ باشگاه را هم هو کرده‌اند، چون آنان بی‌نیاهت متوقع هستند. ما به هواداران‌مان احترام می‌گذاریم و از آنان استقبال می‌کنیم، اما در طول یک بازی سخت ما به حمایت‌شان نیاز داریم.

در بازی اخیر رئال مادرید برابر سلتاویگو در دور رفت از مرحله یک چهارم نهایی جام حذفی اسپانیا، در صحنه‌ی از بازی به نظر می‌رسید که سرخو راموس به سمت ایگو اسپاس، مهاجم حریف، آب دهان پرتاب کرده است. مدافع ۳۰ ساله کله‌کشانی‌ها درباره این موضوع تأکید کرد: من باید روشن کنم که چنین داستان‌هایی در بارسلونا ساخته می‌شود. من نه به اسپاس ضربه زدم، نه به سمت او آب دهان انداختم.



Mandegar

اولین روز اواما

در جایگاه شهروند عادی

برخوردار است. اواما به همراه همسرش میشل در عمارت جیمز کوستوس، سفیر سابق امریکا در اسپانیا سکونت دارند. رییس جمهوری سابق امریکا همچنین به کلوب تاندربرد در همان منطقه هم سری زد. پس از پایان مراسم تحلیف جمعه گذشته دونالد ترامپ، رییس جمهوری جدید امریکا، اواما به همراه خانواده کاخ سفید را پس از هشت سال ترک کرد و با هلی کوپتر به پایگاه مشترک اندروز در بخش پرنس جورج ایالت مریلند رفت. او پس از آن عازم کالیفرنیا شد.

رییس جمهوری سابق امریکا در اولین روز خود به عنوان یک شهروند عادی مستقیماً به زمین گلف رفت و با دوستانش مشغول بازی شد. به نوشته روزنامه دیلی میل، باراک اواما بعد از پایان دوره ریاست جمهوری اش در بیستم جنوری برای تعطیلات دو هفته‌ای به همراه دوستانش به کالیفرنیا رفت. او در اولین روز از تعطیلاتش به کلوب گلف شهر رانچو میراژ کالیفرنیا رفت. در این مسیر اعضای سرویس مخفی امریکا اواما را همراهی کردند و طبق پروتکل‌ها، او تا آخر عمر از مزیت همراهی این نیروها



حضور ۱۰ هزار شبه نظامی

در مرز مشترک افغانستان با تاجیکستان

وزیر داخله تاجیکستان با اشاره به وضعیت پیچیده امنیتی در افغانستان اعلام کرد که حضور ۱۰ هزار شبه نظامی در مرز مشترک تاجیکستان با این کشور نگران کننده است. رمضان رحیمزاده وزیر داخله تاجیکستان به خبرنگاران گفت که بیش از ۱۰ هزار شبه نظامی در مرز مشترک این کشور با افغانستان فعالیت می‌کنند. وی افزود: با در نظر داشت وضعیت پیچیده امنیتی در افغانستان کسب آمار دقیق گروه‌های شبه نظامی در مناطق مرزی ممکن نیست اما برآوردهای اولیه از فعالیت ۱۰ تا ۱۵ هزار شبه نظامی در این مناطق خبر می‌دهند. رحیمزاده فعالیت گروه‌های شبه نظامی در مرز مشترک با افغانستان

را بسیار نگران کننده توصیف کرد. وزیر داخله تاجیکستان در ادامه حضور اتباع این کشور در گروه‌های شبه نظامی در مرز افغانستان را نیز تأیید کرد. چند ماه قبل نیز تاجیکستان به دلیل نگرانی از فعالیت گروه‌های شبه نظامی در مرز مشترک با افغانستان مانور نظامی بزرگی را با حضور ۱۰ هزار سرباز و تسلیحات سنگین به صورت مشترک با ارتش چین برگزار کرده بود. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که به گفته مقامات سابق دولت افغانستان، موثرهای زرهی که پس از سقوط ولایت قندوز به دست طالبان افتاده است، برای ترمیم توسط مهندسان روسی به تاجیکستان منتقل می‌شوند.

شهرداری کابل:

پاک کاری شهر به بخش خصوصی سپرده می‌شود



شهرداری کابل می‌گوید پاک کاری این شهر را به بخش خصوصی می‌سپارد.

عبدالله حبیب‌زی، سرپرست شهرداری کابل روز یکشنبه در یک نشست خبری گفت قرار است در شش ماه اول، پاک کاری پنج ناحیه مرکزی شهر به بخش خصوصی سپرده شود و بعداً این طرح در سه سال آینده در تمام شهر (هفده ناحیه باقیمانده) عملی شود.

به گفته وی، شرکت‌های خصوصی مکلف به جمع آوری، بسته بندی، انتقال و دفن زباله‌ها، جاروی جاده‌ها، پاک کاری جویچه‌ها، برف پاکوی جاده‌ها و ایجاد تشاب‌ها (دستشویی) در سطح شهر می‌باشند.

او می‌گوید استخدام کارمندان اداره نظیف شهرداری کابل با حقوق بهتر، یکی دیگر از شرایط کاری شرکت‌های خصوصی است.

مسولین شهرداری کابل در حالی از آغاز این طرح خبر می‌دهند که به گفته سرپرست شهرداری کابل، تلاش آنها در شش ماه گذشته برای عملی کردن این طرح ناکام مانده است.

به گفته آقای حبیب زی، برای عملی شدن طرح پاک کاری شهر توسط بخش خصوصی، علاقمندی از سوی سرمایه گذاران صورت نگرفته است و شرکت‌هایی که داوطلب شدند هم شرایط مورد نیاز را تکمیل نتوانستند.

او می‌گوید که آنها برای عملی شدن این طرح، مطالعات ابتدایی تخنیکی را به همکاری بانک جهانی انجام داده اند.

به اساس این مطالعات، در افغانستان ۳۸ میلیون نفوس مقیم زندگی می‌کنند و روزانه یک میلیون نفوس نیز در این شهر در حال رفت و آمد هستند. نفوس مقیم در شهر کابل روزانه فی نفر ۵۰۰ تا ۷۰۰ گرم زباله تولید می‌کنند و به گونه مجموعی روزانه ۵۵۰۰ تن زباله در کابل تولید می‌شود.

اگرچه این مطالعه نشان داده اگر شهرداری کابل از ظرفیت و وسایل موجودش به درستی استفاده کند توانایی انتقال ۷۵ درصد زباله های تولید شده را دارد، اما هنوز پاک کاری شهر کابل یک چالش بزرگ خوانده می‌شود.

آقای حبیب زی می‌گوید آنها برای پاک ساختن شهر کابل با چالش‌هایی چون نبود ظرفیت در اداره نظیف شهرداری، وجود فساد در این اداره، وجود ادعای کارگران خیالی در این اداره، حضور کارمندان سالخورده در بخش نظیف شهر و عدم همکاری مردم با شهرداری رو به رو هستند.

مقامات در شهرداری کابل وعده می‌سپارند که به اساس استراتژی که ترتیب کردند به شکل اساسی به مشکلات در نظیف شهر کابل خاتمه دهند.

آگاهی دهی به مردم و تشویق آنها به همکاری با شهرداری، ایجاد مرکز اطلاعات برای ثبت کارگران اداره نظیف، مطالعه امکان پذیری تخنیکی، ترتیب قوانین و مقرر مدیریت زباله‌های شهری برای استفاده مجدد، تولید انرژی و یا سایر موارد، ایجاد میکانیزم نظارتی مردمی و تقویت بخش تحلفات نظیفی از برنامه‌های شهرداری کابل در این استراتژی است.



مؤسسه تحصیلات عالی زاوول

نهاده علمی، اکادمیک و مؤثر در کشور

با داشتن استادان متخصص باسویه‌های بلند تحصیلی، صنوف معیاری، لابرتوارهای مجهز سیستم درسی به میتودهای قبول شده بین المللی، کتابخانه مجهز، فضای سبز عالی محیط زیست، تنوع درسیستم آموزشی نظری و عملی.

برای فارغان صنوف (۱۲)

- * طب معالجوی
- * طب ستوماتولوژی
- * حقوق و علوم سیاسی
- * کمپیوتر ساینس
- * اقتصاد

و همچنان برای روند پیشرفت تحصیلی فارغان صنوف (۱۴) ستوماتولوژی و قابلگی با ابتکار و فعالیت علمی سیستم بریجینگ یا متمم لسانس در پوهنخی های:

* ستوماتولوژی (طب دندان)

* قابلگی

خدمت گذار هموطنان عزیز و شایقین علوم معاصر در افغانستان

بهترین موقعیت - محیط اکادمیک زمینه ساز رشد محصل محوری